

## نکات مهم درس اول فلسفه دوازدهم (هستی و چیستی)

قدم های چهار گانه برای شناخت نسبت دو مفهوم وجود و ماهیت:

قدم اول: هستی در مقابل نیستی:

\* وجود چیزهای مختلف را می یابیم اما گاهی واقعیت ندارد (سراب است).

قدم دوم: هستی در مقابل چیستی در واقعیت:

\* این (آن) چیست؟

اشاره به وجود ماهیت

\* انسان در هر چیزی که مشاهده می کند دو حیثیت می یابد :

الف) موجود بودن: مشترک بین موجودات (ب) چیستی داشتن (ماهیت): وجه اختصاص موجود است

قدم سوم: هستی در مقابل چیستی در ذهن:

ابن سینا: وقتی می گوئیم هستی و چیستی دو جنبه یک چیزاند به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزاند که با هم ترکیب یا جمع شده اند. (از یکدیگر جدا نیستند)

**نکته:** رابطه انسان و موجود (وجود و ماهیت):

الف) در ذهن و از جهت مفهوم ← دو چیز مغایر و قابل تفکیک اند (تفاوت هستی و چیستی همین جاست)

ب) در واقعیت ← یک چیز عینی و غیر قابل تفکیک اند.

قدم چهارم: تفاوت «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است»:

\* حمل حیوان ناطق بر انسان: یک حمل ضروری و بی نیاز از دلیل در تعریف انسان آمده و از آن جدایی ناپذیر است.

\* حمل وجود بر انسان (حمل وجود بر هر ماهیتی): یک حمل غیر ضروری و نیازمند دلیل است. این دلیل می تواند حسی - تجربی و یا عقلی محض باشد.

### گذر تاریخی:

- فارابی و ابن سینا توجه ویژه ای به تفکیک وجود و ماهیت داشتند: که :

- مقدمه بحث های جدید در فلسفه شد.

- این بحث یکی از اساسی ترین آراء در تفکر اسلامی است - پایه برهان وجوب و امکان ابن سینا در اثبات وجود خدا

توماس آکوئیناس ← پایه گذار فلسفه - تومیسم در اروپا

**نکات:** (۱) آشنا با فلسفه ابن سینا - مانند ابن سینا مغایرت وجود و ماهیت را پایه اثبات وجود خدا قرار داد.

(۲) فلاسفه هم نظر با او: راجر بیکن و آلبرت کبیر، که همه تحت تأثیر ابن سینا و تا حدودی ابن رشد بودند.

## نکات مهم درس دوم فلسفه دوازدهم (جهان ممکنات)

### رابطه های بین موضوع و محمول قضایای حملی :

- ۱- ضروری (وجوبی - اجتناب ناپذیر = حتمی) : محمول قضایا برای موضوع حتمی و ضروری است مثل: عدد ۲ زوج است.
- ۲- امکانی (حالت تساوی - اجتناب پذیر - غیر حتمی احتمالی) : محمول قضایا بر موضوعشان ضروری نیست بلکه ممکن است این محمول را بپذیرد و یا نپذیرد مثل: انسان موجود است.
- ۳- امتناعی (نشدنی - محال) : برقراری ارتباط بین موضوع و محمول غیر ممکن محال و ممتنع است. مثل: مثلث ۴ ضلعی است.

### تقسیم وجود (با ماهیت):

- ۱- واجب الوجود { الف) بالذات : موجود ذاتاً واجب - علت وجود از جانب ذاتش . خدا  
(ب) بالغیر: موجود ذاتاً ممکن الوجود - علت وجود از غیر ذات از خودش . انسان - فیل
- ۲- ممکن الوجود ← بالذات : موجود ذاتاً ممکن - انسان - سیمرغ
- ۳- ممتنع الوجود { الف) بالغیر : ناموجود ذاتاً ممکن ناموجود - سیمرغ - دریای جیوه  
(ب) بالذات : ناموجود ذاتاً ممتنع - مثلث ۴ ضلعی - فرد بودن عدد ۲

### رابطه ماهیت انسان با وجود:

یک رابطه امکانی است . یعنی انسان می تواند باشد و می تواند نباشد . ذات وی به گونه ای نیست که حتماً باشد و یا حتماً نباشد .

ممکن الوجود ها چگونه موجود می شوند؟ (تبیین فارابی و ابن سینا):

ماهیت ممکن ← ضرورت وجود پیدا می کند (علت وجود پدید می آید) ← موجود می شود ← واجب الوجود بالغیر

## نکات مهم درس سوم فلسفه دوازدهم (جهان علی و معلولی)

### علیت:

- \* کهن ترین مسأله شاید نخستین مسأله بشر
- \* هر حادثه ای علتی دارد. همه علوم مختلف در نتیجه ی به دنبال علت ها بودن بوجود آمده اند .
- \* علت: چیزی است که به معلول وجود می دهد، تا علت نباشد معلول پدید نمی آید.

\* معلول: چیزی که وجودش را از علت می گیرد. یعنی در وجود خود نیازمند دیگری است.

\* رابطه علیت: یک رابطه وجود بخشی است یعنی ← علت (یک طرف) به معلول (طرف دیگر) وجود می دهد

\* تفاوت رابطه علیت با رابطه دوستی: در رابطه علیت وجود یکی ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است.

در رابطه دوستی وجود یکی وابسته به وجود دیگری نیست.

### دیدگاه دکارت در مورد اصل علیت:

عقل بدون دخالت حس و تجربه و بصورت فطری آن را درک می کند. یعنی هر انسانی با درک از رابطه علیت متولد می شود. درک علیت نیاز به تجربه و آموزش ندارد. اما یافتن مصداق علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.

نکته: تجربه گرایان (امپریست ها): هر چیزی را از طریق حس و تجربه تحلیل می کند.

### دیدگاه تجربه گرایان درباره اصل علیت:

انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیت را بنا می کند.

### عقیده هیوم در مورد علیت:

علیت با عقل و با حس درک نمی شود (فرا تر از حس) علیت تداعی ذهنی ناشی از یک امر روانی به تکرار پدیده های متوالی است.

### دیدگاه فلاسفه مسلمان درباره علیت:

علیت یک قاعده ی عقلی است و تجربه بدست نمی آید: زیرا هر داده تجربی مبتنی بر این قاعده است.

هر گاه ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع اجتماع نقیضین شد درکی از علیت پیدا می کند.

**اصل امتناع اجتماع نقیضین:** یعنی چیزی که خود به خود بوجود می آید و این بدین معناست که چیزی که نیست قبلاً باشد تا بتواند خودش را بوجود بیاورد و این محال است.

### دلیل ابن سینا بر عدم درک علیت از طریق تجربه:

درک علیت از طریق تجربه امکان پذیر نیست. زیرا ما از طریق حس و تجربه فقط «به دنبال هم آمدن» برخی پدیده ها را می یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای علیت نیست.

### اصل سنخیت علت و معلول:

هر علتی، معلول خاص خودش را پدید می آورد و هر معلولی از علت خاصی صادر می شود.

### نتایج اصل سنخیت:

۱- انسان از هر چیزی آثار متناسب با خودش را دارد.

۲- می توان به نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی قائل شد.

۳- دانشمندان با تکیه بر همین اصل تحقیقات خود را پیگیری می کنند.

**اصل وجوب علی و معلولی :** معلول بدون در نظر گرفتن علت «امکان ذاتی دارد» ۱- می تواند باشد ۲- می تواند نباشد .  
 علت به معلول خود ضرورت وجود می دهد و معلول را موجود می کند .

## نکات مهم درس چهارم فلسفه دوازدهم ( کدام تصویر از جهان )

\* وظیفه فیلسوف از نظر ابن سینا: دقت در مفاهیم عامیانه شانس و اتفاق و سپس نقد و تصحیح یا تعمیق این مفاهیم است.

### کاربرد اتفاق در فلسفه و علوم:

فلسفه : دموکریتوس معتقد بود عناصر و اشیای جهان از برخورد اتفاقی اتم ها تشکیل شده اند.

زیست شناسی: داروین معتقد بود تحولات اندامی جانوران اتفاقی است ، اما بعد از این تحولات فقط آن هایی حیات خود را ادامه می دهند که با محیط سازگار ترند .

فیزیک: نظریه مه بانگ ( بیگ بنگ ) که آغاز گسترش جهان فیزیکی را یک انفجار بزرگ می داند ← اتفاقی بودن انفجار

### معانی اتفاق :

الف) معنای اول: نبود ضرورت (عدم وجود رابطه حتمی بین علت و معلول)

-وجود معلول بدون علت : نقض علیت -وجود علت بدون معلول: نقض وجوب علی و معلولی

علت تامه: مجموعه همه عوامل لازم و کافی برای وجود معلول

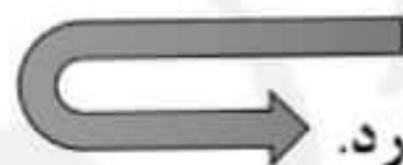
علت ناقصه : یکی از اجزای علت تامه (شرط لازم اما نه کافی)

ب) معنای دوم: نبود سنخیت (پدید آمدن هر معلولی از هر علتی) - انکار اصل سنخیت - بی اعتباری همه علوم - هرچ و مرج مطلق در جهان - عدم اقدام برای کارها و امور

پ) معنای سوم: نبود غایت (بی هدفی حرکات و تغییرات در جهان)

منکرین علت العلل این معنا از اتفاق را قبول دارند- مانند دموکریتوس- داروین و بینگ بنگ

ت) معنای چهارم: نبود علم و دانش (رخ دادن حادثه ای پیش بینی نشده)



از نظر همه صحیح و ممکن است و مصادیق متعددی دارد. تضاد و تناقض با علیت ندارد.

تبعات انکار یا تردید	لازمه و نتیجه اصل	اصل
عدم ارتباط بین پدیده ها	ارتباط و پیوستگی	علیت
تخلف معلول از علت بر عدم حتمیت	تخلف ناپذیری و حلمیت در نظام هستی	وجوب بخشی
بی اعتباری همه علوم و پذیرش هرچ و مرج	نظم و قانونمندی بین پدیده ها	سنخیت

## نکات مهم درس پنجم فلسفه دوازدهم (خدا در فلسفه ۱)

### خدا در یونان باستان:

\* اعتقاد به چند خدایی که هر کدام مبدأ یک حقیقت در جهان بودند:

۱) زئوس: خدای آسمان و باران ۲) آپولون: خدای خورشید هنر و موسیقی ۳) آرتemis: خدای عفت و خوشتننداری

\* روش اثبات خدا ← تقلید از بزرگان در اندیشه های شرک آلود \* منکران خدایان ← طرد یا اعدام می شدند .

### خدانشناسی افلاطون:

سخن تیلور: افلاطون ابداع کننده خدا شناسی فلسفی

در یونان باستان چند خدایی: بی هدفی و غیر آگاهانه بودن خلقت - کفر و بی خدایی

ویژگی خدا از نظر افلاطون: (مثال خیر ← همه چیز در پرتو آن)

۱) یک خدای معین با ویژگی های روشن ۲) پیوسته ثابت ۳) نه میزاید و نه از میان می رود .

۴) چیزی را در خود راه نمی دهد ۵) با حواس درک نمی شود ۶) فقط با تفکر و تعقل می توان از آن بهره مند شد.

### استدلال های ارسطو در اثبات خدا:

استدلال اول: به طور کلی هر جا که یک خوبتر و بهتر وجود دارد، خوبترین و بهترین نیز هست.

(واقعیت الهی) ← خوبترین و بهترین

استدلال دوم: نمی شود یک نظم بر جهان حاکم باشد بدون اینکه موجودی جاویدان و برتر از ماده در کار باشد.

استدلال سوم: وجود حرکت در عالم نیازمند یک محرک غیر متحرک است زیرا سلسله محرک ها تا بی نهایت جلو رود عقلاً محال است.

### خدا در دوره ی جدید اروپا:

نظر دکارت: من از حقیقتی نا متناهی ، که همه چیز مخلوق او هستند ، تصویری دارم این تصور نمی تواند از خودم باشد .  
زیرا من موجودی متناهی ام. این تصور از وجود نا متناهی است .

نظر دیوید هیوم: بهترین برهان فیلسوفان الهی برهان نظم است که مبتنی بر تجربه است.

\* برهان نظم حداکثر فقط وجود ناظم و مدبر را اثبات می کند نه وجود خالق نا متناهی و واجب الوجود .

بنابراین: یا خدایی نیست یا نمی توان آن را اثبات کرد و شناخت.

دیدگاه کانت: اثبات وجود خدا از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی.

برهان و استدلال کانت: از طریق زندگی جمعی ← اخلاق ← اراده و اختیار ← نفس مجرد ← ماوراء الطبیعه ← خدا بدست می آید.

نکته: عدم رعایت اخلاق: هرج و مرج - مسئولیت پذیری و اخلاق در جایی است که انسان صاحب اختیار و اراده باشد.

نظر ویلیام جیمز و برگسون: باور وجود خدا عمدتاً در تجربه های شخصی و درونی ما نهفته است و بدون خدا زندگی از معنا تهی است (معنا ندارد)

نظر کرکگور درباره ی ایمان: ایمان هدیه الهی است. گزینش انسان مؤمن توسط خدا، عدم شایستگی = زندگی تاریک.

زندگی معنا دار: زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاقی که انسان را نسبت به آینده مطمئن تر می کند و به او آرامشی بر تر می دهد.

نظر کاتینگهام در مورد قبول خدا: قبول خدا = ۱- زندگی ما را با ارزش و با اهمیت می سازد. ۲- می توانیم جهان را مأمّن و پناهگاه بیابیم.

## نکات درس ششم فلسفه دوازدهم (خدا در فلسفه ۲)

\* سخن یک فیلسوف تا زمانی فلسفی است که ← مبتنی بر استدلال عقلی باشد

\* فیلسوف ← بر اساس قواعد فلسفی (استدلال عقلی) عقیده ای را می پذیرد و از آن دفاع می کند.

\* فیلسوفان مسلمان اثبات وجود خدا ← از طریق استدلال عقلی

### استدلال فارابی درباره ی اثبات وجود خدا: (تقدم علت بر معلول)

۱- اشیای پیرامون ما، وجودشان از خودشان نیست و معلول هستند.

۲- وجود علت بر وجود معلول مقدم است.

۳- اگر علت معلول پیش روی ما، خود معلول علتی دیگر باشد و آن علت هم معلول علتی دیگر باشد امکان ندارد این سلسله علت و معلول ها تا بی نهایت ادامه پیدا کند. (تسلسل علل نامتناهی) بنابراین یک علت نخستین وجود دارد که وجودش وابسته به علت دیگر نیست (علت العلل)

نکته: تسلسل علل نامتناهی ← متناقض - غیر ممکن و محال

### استدلال ابن سینا در اثبات خدا: (برهان و جوب و امکان)

نکته: ملاصدرا ارتقا دهنده ی این برهان

۱- موجودات این جهان ممکن الوجود هستند و امکان ذاتی دارند .

۲- ممکن الوجود برای خروج از امکان ذاتی به واجب الوجود بالذات نیازمند است.

۳- موجودات این جهان به واجب الوجود با بالذات وابسته اند.

### اقسام واجب الوجود از نظر ابن سینا:

۱- واجب الوجود بالذات: ذاتی که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت از ناحیه ذات خود است نه یک امر بیرونی

۲- واجب الوجود بالذات: ذاتی که وجود برایش ضرورت پیدا کرده و این ضرورت از ناحیه یک امر بیرونی است.

استدلال ملاصدرا در اثبات خدا: (امکان فقری - فقر وجودی )

\* به جای مشاهده به ماهیت و حالت امکانی به فقر و وابستگی موجودات نگاه کنیم .

### نظریه فقر وجودی:

جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود استقلالی ندارد اگر ذات الهی آنی پرتو عنایت خود را بازگیرد کل موجودات نابود می شوند.

اقسام وجود از نظر ملاصدرا: ۱- وجود بی نیاز و غیر وابسته ۲- وجود های نیازمند و وابسته

### اعتقاد به خدا و معناداری حیات:

نقش خدا در زندگی مانند نقش آب در حیات جسمانی بشر است ← وجه شبه: منشأ اثر بودن

\* از نظر فلاسفه مسلمان: در صورتی اعتقاد به خدا به زندگی انسان معنا می دهد که انسان با کمک عقل و اندیشه وجود او را بپذیرد.

\* از نظر فیلسوفان الهی: پذیرش وجود خداوند به همراه صفات او = دریافت معیار زندگی معنادار

### معیار های زندگی معنادار :

۱- غایتمند دانستن جهان ۲- هدفمند دانستن جهان ۳- ما بازا قائل شدن برای گرایش فطری انسان به خیر و زیبایی ۴- معتبر شناختن آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی ۵- احساس تعهد در برابر یک موجود متعالی

توصیف رابطه جهان و انسان و خدا و عشق:

هر یک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش ،همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان . اشتیاق ذاتی و ذوق فطری را که سبب تمامی ممکنات و مخلوقات است،عشق می نامیم .

## نکات مهم درس هفتم فلسفه دوازدهم (عقل در فلسفه ۱)

مفاهیم زیر با یکدیگر در ارتباط و تداعی کننده ی یکدیگرند:

دین = ایمان      عرفان = شهود و عشق      فلسفه = عقل

### کاربرد های عقل در فلسفه:

۱- عقل به عنوان ابزار تفکر و استدلال :

عقل = توانمندی برای استدلال و رسیدن به دانش و حقایق

نکته: عقل بصورت بالقوه در کودکان وجود دارد، اما با تمرین و تربیت به فعلیت می رسد و بسته به میزان تقویت این قوه، عقل افراد با یکدیگر فرق دارد.

۲- عقل به عنوان یک موجود مجرد : ← در قید زمان و مکان نیستند .

### ویژگی های عقول مجرد:

۱- به عالمی به نام «عالم عقل» تعلق دارند.

۲- مجرد از جسم و ماده هستند.

۳- علم آنها از طریق شهود حاصل می شود نه استدلال .

### نکات:

(۱) روح انسان نیز، با تهذیب نفس می تواند مانند این عقول شود و حقایق را شهود کند.

(۲) توانایی بشر در ساختن مفاهیم کلی و ارائه استدلال، پرتوی از عقل مجرد در وجود انسان هاست .

### حکمای ایران باستان:

(۱) یکی از کانون های اولیه عقل و خردورزی (۲) رهبری با خرد و عقل است - مزدا = خداوند

(۳) منابع گزارش ها: شاهنامه فردوسی و نقل قول تاریخی (۴) توجه به هر دو معنای عقل

(۵) خرد با وجود آفریدگار متحد است ← خلقت جهان با خرد و عقل.

### عقل در یونان باستان:

(۱) هراکلیتوس: لوگوس ← به معنای عقل + نطق (کلمه و سخن نزدوی ← ظهور و پرتو عقل متعالی) ←  
کلمات و سخن ← بیانگر افکار و اندیشه  
اشیا عالم ← ظهور کلمات همان حقیقت برتر و بیان علم و حکمت اویند .  
توجه به هر دو معنای عقل

۲) ارسطو: عقل ← قوه استدلال - تقسیم بر اساس کار به عقل نظری و عقل عملی ← دانش بشری = نظری و عملی

استدلال تجربی جدا از استدلال عقلی - انسان حیوان ناطق ← نطق = تفکر ← ذاتی انسان

### عقل نزد فیلسوفان اروپا:

از رنسانس تا کنون ← مربوط به حدود توانایی عقل

ابتدای رنسانس ← عقل جایگاه ممتاز + در تقابل با کلیسا

دوره اول حاکمیت کلیسا (۳ تا ۹):

چون و چرای عقل ← ضعف ایمان - عقل = امری شیطانی - ایمان قوی ← ایستادگی مقابل شبهات عقل

دوره دوم حاکمیت کلیسا (۱۱ تا ۱۳):

تحت تاثیر ابن سینا و ابن رشد و تبیین عقلانی مسائل دینی (عدم سازگاری مبانی عقل با کلیسا) - سبب حاکمیت عقل بر دین شد (عقل جای دین)

فرانسیس بیکن: بت های قبلی را بشکنید و بر تجربه تکیه کنید.

دکارت: توجه به بدیهیات عقلی و استدلال عقلی محض + تجربه - اثبات خدا و نفس مجرد و اختیار با استدلال عقل صرفا یک دستگاه استدلال (عدم توجه به عقل به عنوان وجود متعالی و برتر)

اگوستین کنت: قرن ۱۹ = کار عقل ← ذهنی - نگاه فیلسوفان به هستی ← ساخته ذهن و تأملات ذهنی (واقعی

نیست) دستیابی واقعیت و علم = عقل + روش تجربی و حسی

این دیدگاه در مسائل نظیر: توانایی عقل در اثبات ماوراء الطبیعه و معرفت انسان به خود و جهان در اروپا گسترش یافت.

### نکات مهم درس هشتم فلسفه دوازدهم (عقل در فلسفه ۲)

عوامل مهم توجه به عقلانیت در جهان اسلام:

۱- پیام الهی      ۲- سخنان رسول اکرم      ۳- سخنان اهل بیت

\* تجلیل از عقل: حرکت به سوی علم

مصادیق عقل نزد فیلسوفان مسلمان = ۱- وجودی متعالی ۲- قوه استدلال و شناخت

۱- تنگ کردن محدوده اعتبار عقل ← مخالفت با برخی روش های عقلی در مسائل دینی

دو شکل مخالفت با عقل      ۲- مخالفت با فلسفه و منطق تحت عنوان دستاورد های غیر اسلامی ← ناسازگاری

عقاید فلسفی با عقاید اسلامی (اشکال دوم)

- پاسخ به اشکال دوم:
- ۱- سازگاری بسیاری از آرای فلاسفه یونانی با آموزه های اسلامی .
  - ۲- فلسفه شاخه ای از معرفت است و هر فردی با هر ملیتی می تواند وارد آن بشود.
  - ۳- در فلسفه مانند دیگر انواع دانش استفاده از دستاورد های دیگران ضروری است.
  - ۴- در درستی و نادرستی علم فقط استدلال دآوری می کند، نه ملیت .

### عقل ← وجود متعالی ← روحانی (غ.مادی):

فیلسوفان مسلمان روشن تر از هراکلیتوس و افلاطون به آن پرداختند .

ابن سینا و فارابی : اولین مخلوق خدا ← عقل اول (بعد آن عقول) - فیض خدا از طریق عقول به عوالم می رسد.

توانمندی اندیشیدن از پرتو عقل است. تربیت و رشد آن در انسان موجب می شود علاوه بر استدلال، حقایق را مانند عقول درک کند .

عقل فعال = یکی از عقول ← عامل فیض رسانی به عقل انسان ها (فیض رسانی عقل فعال ← فعالیت عقل انسان)

فارابی : مقام عقل فعال نسبت به انسان مانند آفتاب نسبت به چشم (آفتاب نوربخشی می کند سپس چشم می بیند).

### عقل ← قوه ی استدلال و شناخت

-عموم فلاسفه مسلمانان معتقدند: استدلال های عقلی و تجربی هر کدام در جای خود روش صحیح برای رسیدن به دانش اند .

-استدلال عقلی معیار اولیه قبول یا رد هر نظری (ما فرزندان دلیل هستیم).

-ابن سینا= هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد از حقیقت انسانی خارج شده .

- اولین مرحله عقل ← عقل هیولایی ← انسان هیچ ادراک عقلی ندارد اما استعداد درک معقولات را دارد مانند نوزاد

-دومین مرحله = عقل بالملکه ← درک اولی از قضایای ضروری (یک چیز نمی تواند هم باشد، هم نباشد) ← کسب دانش

-سومین مرحله = عقل بالفعل ← شکوفایی عقل - کسب دانش با تمرین و تکرار

-چهارمین مرحله = عقل بالمستفاد ← تسلط بر دانش های کسب شده مانند یک استاد.

-پذیرش هر اعتقادی نیازمند استدلال است . ایمان بدون پشتوانه عقلی ارزش ندارد (حجت هر کس ← توان فکری او)

-عقل در کنار حس و قلب (شهود) ← منابع کسب معرفت

-وحی عالی ترین مرتبه شهود و مختص پیامبران

-استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه به یک نتیجه می رسند و حقیقت را در می یابند .

- اگر از استدلال عقلی به درستی استفاده نکنیم - ممکن است به نتیجه متعارض با وحی برسیم.

- راه حل برطرف کردن این تعارض - افزایش تلاش عملی + استفاده از دانش دیگران

- ملاصدرا - وجود تعارض بین عقل و وحی را نفی می کند و فلسفه ای را که مطابق با قرآن و سنت نباشد را نفرین می نماید.

## نکات مهم درس نهم فلسفه دوازدهم (آغاز فلسفه)

- وجود حیات عقلی باعث بروز و رشد حیات علمی و فلسفی است.

- اولین فیلسوف مسلمان بعد از گذشت ۲ قرن از اسلام - ابو یوسف یعقوب ابن اسحاق - ۲۷۰ کتاب.

### زمینه های رشد فلسفه: (شامل سه زمینه می باشد)

زمینه اول: - رشد علم در جامعه حضور عقلانیت در جامعه

- مورخان: تقارن حیات عقلی جامعه اسلامی با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی

- پایه گذار حیات عقلی جامعه اسلامی = پیامبر اکرم + قرآن کریم

برخی از زمینه سازی های قرآن و پیامبر :

۱- ارزش برای اصل تفکر ۲- تکریم علم به عنوان ثمره تفکر ۳- تکریم پیوسته عالمان ۴- طرح مبحث

علمی و عقلی و فلسفه و بکارگیری شیوه های استدلال ۵- مذمت پیوسته نادانی و جهل ۶- دعوت به یادگیری دیگر ملت ها و استفاده از آنها

زمینه دوم: حیات عقلی مسلمانان با بحث و گفتگوی عقلی در مباحث اعتقادی آغاز شد و بعد از ۲ قرن به حیات فلسفی انجامید .

متکلم: دانشمندی که موضوعات اعتقادی دین را با استدلال و منطق مورد بحث قرار می دهند .

زمینه سوم: (نهضت ترجمه - قرن ۲ هجری - زمینه شکل گیری فلسفی در اسلام

منحصر به دانش فلسفه نبود بلکه شامل علوم گوناگون بود. منطق، نجوم، ریاضی و ...

در نتیجه کتاب های فراوانی از زبان های یونانی، پهلوی، هندی و سریانی ترجمه شد .

\*حنین بن اسحاق - مترجم معروف - معادل وزن کتاب که ترجمه کرده بود زر دریافت می کرد.

\* پایه گذاری نظام فلسفی نوین با فراگیری معارف پیشینیان.

## حکمای مشاء:

فلسفه اسلامی در آغاز سرشتی کاملاً استدلالی و متکی بر آراء ارسطو بود.

فارابی و ابن سینا ← متأثر از ارسطو ← بزرگترین حکمای مشاء

حکمت مشاء: این شیوه تفکر فلسفی به خاطر موسس اول آن ارسطو به حکمت مشاء معروف شد.

معلم اول: ارسطو      معلم ثانی: فارابی

### مقام علمی و فلسفی فارابی:

- تبحر در علوم ← فلسفه - حقوق - نجوم - سیاست - پزشکی - فلسفه سیاست

- آشنا با میراث فلسفی یونان (آراء افلاطون و ارسطو) کتاب ← «الجمع بین رأی الحکیمین»

- کتاب «اغراض ارسطو فی کتاب ما بعد الطبیعه» ← شرح نظرات ارسطو و نکات پیچیده آن

- پایه گذار فلسفه مشاء در جهان اسلام بود.

### فلسفه سیاسی فارابی:

- فارابی: انسان مدنی بالطبع است. گرایش فطری به جامعه و زندگی با هم نوعان دارد.

- فارابی: هدف اصلی جامعه و مدینه باید سعادت انسان در دنیا و آخرت باشد.

- بهترین مدینه: مردم آن به اموری مشغول اند که مجموعه مدینه را به سوی سعادت می برد (مدینه فاضله)

۱- انجام وظیفه به نحو احسن

فارابی: تشبیه مدینه به بدن سالم } ۲- تقدم برخی اعضاء به برخی دیگر مانند ریاست قلب بر همه اعضاء

۳- مدینه فاضله = شخص ممتاز ← ریاست بر مردم

ویژگی رئیس مدینه ← روح بزرگ - سرشتی عالی - عالی ترین درجه تعقل ← پیامبر و امامان

- اتصال دائمی پیامبران با علم بالا ← رهبری درست در جهت رسیدن به سعادت حقیقی

فارابی: مدینه جاهله مقابل مدینه فاضله

تفاوت مدینه فاضله } جاهله: فقط سلامت جسم و فراوانی لذت های مادی

و جاهله در هدف: } فاضله: سعادت دنیا و آخرت

## نکات درس دهم فلسفه دوازدهم (دوره ی میانی)

روش ابن سینا ← عقل و استدلال ← ارائه فلسفه مشائی بصورت مدون

۱- قانون : فرهنگ نامه پزشکی، معروف ترین اثر ابن سینا

۲- شفا: دایره المعارف علمی و فلسفی

تالیفات ۳- نجات: شکل مختصر کتاب شفا

ابن سینا: ۴- انصاف: دارای بیست جزء و ۲۵ هزار مسئله

۵- اشارات و تنبیهات: آخرین دیدگاه های ابن سینا

۶- دانشنامه علایی: به زبان پارسی، شامل ابواب مختلف حکمت

### طبیعت شناسی ابن سینا:

- طبیعت مرتبه ای از هستی است که رو به سوی مقصد خاصی دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است.

- عالم طبیعت از لطف و عنایت باری تعالی بوده و بهترین نظام ممکن و احسن را آفریده .

- طبیعت ← یعنی هر کدام از اجزای عالم طبع و ذات خاص خود را دارند .

- طبیعت هرشی ← حرکت به سوی خیر و کمال مطلوب / حتی آنچه ظاهراً شر و بدی است. مانند مرگ + سیل و ... همگی در نظم کلی جهان تاثیر مثبت دارند و به کمال نهائی طبیعت کمک می کنند.

### حکیم اشراقی :

- شهاب الدین سهروردی = کتاب: حکمه الاشراق ← فراتر از شیوه مشائیان

- روش : استدلال + سیروسلوک قلبی ( تحقیق فلسفی با استدلال محض بدون رسیدن به قلب بی نتیجه است و بر عکس)

- سهروردی ← احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی ← پایه گذاری حکمت اشراق

- ورود مفهوم «نور» به جای مفهوم «وجود» در فرهنگ اشراقی توسط شیخ اشراق ← همه مباحث پیرامون نور

- مبدأ و خالق هستی ← نور محض ← نور الانوار ← اشیاء از تابش آن پدید آمده اند (تمام زیبایی ها و کمالات)

- تفاوت موجودات ← شدت و ضعف نورانیت

## جغرافیای عرفانی سهروردی:

مشرق = نور محض یا محل فرشتگان مقرب ( فرشتگان مجرد از ماده - غیر قابل مشاهده)

مغرب کامل: جهان تاریک یا عالم ماده بی بهره از نور

مغرب وسطی: جهانی که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.

## دسته بندی جویندگان معرفت توسط سهروردی:

- ۱- آنان که تازه شوق معرفت یافته اند. ۲- آنان که در فلسفه استدلالی به کمال رسیده اند ولی از ذوق و عرفان بی بهره اند
- ۳- آنان که به استدلال توجه ندارند و فقط به تصفیه نفس و شهود دست یافته اند ۴- آنان که هم در استدلال و هم در عرفان به کمال رسیده اند ← حکیم متأله ← بهترین دسته ← حکیم و جانشین خدا

## نکات مهم درس یازدهم فلسفه دوازدهم ( دوران متأخذ)

متقدم: ظهور اسلام تا قرن ۴ هجری ← فارابی بزرگترین فیلسوف  
تقسیم دوران فلسفه اسلامی  
میان: از قرن ۵ تا ۱۰ هجری ← ابن سینا فیلسوف آن دوره  
متاخر: از قرن ۱۱ تا عصر حاضر

\* علم کلام ← رقیب فلسفه / متکلمین: دفاع از معارف دین با عقل و استدلال

\* فیلسوفان مشهور دوره صفویه = شیخ بهایی - میر داماد - میر فندرسکی - ملاصدرا

\* تالیفات ملاصدرا = الشواهد الربوبیه - تفسیر القرآن الکریم - المبدأ و المعاد.

\* مهم ترین و مشهور ترین اثر: الحکمه المتعالیه فی اسفار الاربعه (دایره المعارف فلسفی)

عرفا معتقدند سیروسلوک انسان به سوی کمال در چهار سفر انجام می شود .

۱- سفر از خلق به حق (خدا) ← برداشتن حجاب بین سالک و خدا

۲- سفر با خدا درباره ی خدا ← سیر در اسماء و صفات خدا

۳- سفر از خدا تا مردم با خدا ← بازگشت به سوی خلق + توجه در همه ابعاد به خدا (ذات حق

را در همه چیز دیدن)

۴- سفر در میان مردم با خدا ← هدایت مردم با کمک حق

اسفار اربعه

## حکمت متعالیه:

ملاصدرا بنیان گذار آن - نتیجه تکاملی فلسفه مشاء و حکمت اشراق

\* در شخصیت ملاصدرا سه چیز الفت یافته که سرآمد فلسفه ها قبلی بود:

برهان عقلی - شهود قلبی - وحی قرآن -> روش فلسفی حکمت متعالیه .

۱- فلسفه مشاء: بخصوص اندیشه های مستدل ابن سینا

۲- حکمت اشراق، اندیشه های سهروردی

۳- عرفان اسلامی، اندیشه های محی الدین عربی

۴- تعالیم قرآن و احادیث رسول خدا و ائمه اطهار

منابع حکمت

متعالیه

## اصول فلسفی ملاصدرا:

۱- اصالت وجود ۲- وحدت حقیقت وجود ۳- مراتب داشتن وجود ۴- حرکت جوهری.

الف) اصالت وجود: بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدرا

۱- اصالت به معنای واقعی -> مقصود از وجود اصیل: وجود امر واقعی

۲- ابن سینا = ما از هر شی خارجی دو حیثیت می یابیم = ۱- وجود ۲- ماهیت

۳- این دو مفهوم غیر یکدیگرند .

۴- آن شیء خارجی که منشا پیدایش دو مفهوم مغایر در ذهن شده ، مصداق کدامیک از این دو مفهوم است ؟

۵- برخی فیلسوفان از جمله میرداماد: آن امر واقعی خارجی، مصداق ماهیت است -> آنچه واقعی است ماهیت است نه

وجود . وجود صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی است -> اصالت ماهیت

ملاصدرا = وجود است که اصیل و واقعی است و واقعیت خارجی ، ما به ازاء و مصداق وجود است پس وجود اصالت دارد نه

ماهیت . واقعیت خارجی یک چیز است آنهم وجود است. ماهیت های انسان، حیوان و آب مفاهیمی هستند که از وجود ها

انتزاع می شوند.

ب) وحدت حقیقت وجود: ملاصدرا با تکیه بر اصالت وجود می گوید: حال که اصالت با وجود است و وجود هم امری واحد

است و وجه مشترک همه اشیاء پس واقعیت خارجی امری واحد است . حقیقت واحد همان اصل هستی اشیاء است و

موجودات مختلف در حقیقت هستی با هم وحدت دارند .

پ) مراتب داشتن وجود: پرسش: این کثرت ها از کجا نشئت می گیرد؟

ملاصدرا: هستی یک حقیقت واحد است اما این حقیقت واحد دارای درجات و مراتب و شدت وضعف است.

مانند: نورقوی - نور ضعیف ( هر مرتبه ای از وجود به میزان درجه وجودی، ظهور آن حقیقت واحد و یگانه (خدا) است).

اختلاف در شدت و ضعف سبب تمایز آنها از یکدیگر و پیدایش کثرت در جهان می شود .

**نکته:** نور از آن جهت که نور است قوی است نه اینکه با چیزی ترکیب شده باشد و قوی شود و نور از آن جهت که نور است ضعیف است نه اینکه با چیزی مثل تاریکی ترکیب شده باشد و ضعیف شود زیرا تاریکی نبود نور است. وجود قوی با چیزی خارج از خود ترکیب نشده زیرا خارج از وجود چیزی نیست. وجود ضعیف هم به همین ترتیب.

## نکات مهم درس دوازدهم فلسفه دوازدهم (حکمت معاصر)

### نکات:

(۱) بعد از سقوط صفویان ← فراگیری ناپسمانی فکری ← کاهش رونق فلسفه در ایران اواخر حکومت قاجار ← یک جنبش فکری ← حیات مجدد فلسفه

(۲) برخورد فیلسوفان ایرانی با فلسفه اروپایی ← با بهره گیری از ذخیره های ارزشمند فلسفی خود، فلسفه جدید اروپا را فهمیدند.

استادان برجسته عصر حاضر: قشقایی - شعرانی - آشتیانی - قزوینی - الهی قمشه ای - عصار - آیت الله شاه آبادی - امام خمینی

**کتاب های عرفانی امام خمینی:** تعلیقات به شرح فصول الحکم - شرح بر مصباح الانس - مصباح الهدایه - اراده و طلب - شرح دعای سحر - سر الصلوات - آداب الصلوات

### حکیم بزرگ دوره معاصر:

\* علامه طباطبایی بزرگترین شخصیت فلسفی معاصر و وارث حکمای بزرگ اسلامی

علامه طباطبایی ← مهاجرت به قم ← جهت تدریس علوم دینی ← مشاهده مشکلات:

۱- تفکرات ماتریالیستی و مکتب مارکسیسم در ایران در حال گسترش

۲- عدم آمادگی حوزه های علمیه برای مواجهه با این افکار و اندیشه ها

### اقدامات علمی و فرهنگی علامه طباطبایی:

۱- تدریس مسائل روز فلسفی ← کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم ← نقد اندیشه های مارکسیسم

کتاب های ← بدایه الحکمه و نهایه الحکمه

۲- احیای تدریس و تفسیر قرآن کریم: تالیف تفسیر ۲۰ جلدی المیزان

۳- تلاش جهت افزایش محدوده ی فعالیت های علمی و فرهنگی خود از حوزه تا دانشگاه ها و حتی جهان ← راه یابی تفکرات شیعی به جهان غرب

هانری کربن فیلسوف فرانسوی ← ۲ جلد کتاب (شیعه) و (رسالت تشیع) حاصل مذاکره با علامه

۴- تربیت شاگردان ← شهید مطهری - شهید بهشتی - شهید باهنر - آیت الله جوادی آملی - حسن زاده آملی - محمد تقی مصباح

## برجسته ترین شاگرد علامه طباطبایی ← شهید مرتضی مطهری

ریشه: مبانی فلسفی پذیرفته شده

نظام فکری = مانند درخت } شاخه و برگ: سایر افکار و اندیشه ها مثل نگاه به زندگی - سیاست - خانواده

هر قدر ریشه قوی و استوار و سالم باشد شاخ و برگ هم قوی و سالم خواهد بود.

### دسته بندی (تقسیم) نظام فکری:

- ۱- کسانی که کمتر اهل اندیشه ورزی اند ← نظام فکری مشخص ندارند ← در زندگی تقلید از دیگران ← در تصمیم تابع جو حاکم
  - ۲- کسانی که افکار فلسفی دارند اما به خوبی در آنها شکل نگرفته ← گاهی بر اساس افکار خود و گاهی بیرون از آن تصمیم می گیرند (در حال رشد)
  - ۳- افرادی که در انتخاب نظام فکری خود دچار خطا شده اند ← سبک زندگی معیوب و ناسالم
  - ۴- گروهی ریشه درخت فکری خود را درست انتخاب کردند و پایه های استواری برای نظام فکری خود ساخته اند ← استخراج و قول های محکم و مستدل
  - ۵- بسیاری مبنای خوبی برای اندیشه خود پیدا کرده اند اما قدرت فکری ندارند که بین آن و تصمیمات زندگی خود پیوند ایجاد کنند ← درخت آنها شاخ و برگ مناسب ندارند .
- نکته: سبک زندگی و آثار شهید مطهری ← موفق در ارائه اندیشه فکری و عملی خردمندانه ← پاسخگوی نیاز زمان و عصر ما